

شوراها

همان طور که گفته شد، کمیتة های کارخانه عناصر قدرت دوگانه در داخل کارخانه هستند. در نتیجه، موجودیت آنان فقط در شرایطی امکان پذیر است که فشار توده ها روزافزون باشد. این نکته در مورد اجتماعات توده ای خاص در راه مبارزه علیه جنگ، کمیتة های تعیین قیمت ها، و ایجاد تمام مراکز جدید نهضت، صادق است؛ مراکزی که پیدایش آن ها گواه این حقیقت است که مبارزه ی طبقاتی از حدود سازمان های سنتی پرولتاریا پا فراتر گذاشته است.

با وجود این، همین ارگان ها و مراکز جدید، به زودی به کمبود یک پارچه گی، و عدم کفایت خود پی خواهند برد. هیچ کدام از درخواست های انتقالی را نمی توان تحت شرایطی که در آن رژیم بورژوائی ابقاء به شود، کاملاً جامه ی تحقق پوشاند. در ضمن، عمیق شدن بحران اجتماعی، نه تنها رنج های توده ها را افزایش خواهد داد، بلکه بر بی شکیبی، پافشاری و فشار آنان نیز خواهد افزود. اقشار جدید ستم زده، یکی پس از دیگری، سربلند خواهند کرد و درخواست های خود را پیش خواهند کشید. میلیون ها "مردمان کوچک" رنج زده، که رهبران اصلاح طلب کوچک ترین اعتنایی بدانان نکرده بودند، با ابرام تمام درهای سازمان های کارگران را خواهند کوبید. بیکاران به نهضت خواهند پیوست. کارگران کشاورزی به کشاورزان فلاکت زده و نیمه ورشکسته، ستم زدگان شهرها، زنان کارگر، زنان خانه دار، اقشار

پرولتاریائی شده روشن فکران- همه و همه به دنبال وحدت و رهبری خواهند گشت.

چگونه می توان درخواست های مختلف و اشکال گوناگون مبارزه را، حتی در محدوده ی یک شهر، با یک دیگر هم آهنگ ساخت؟ تاریخ، پیش از این، این پرسش را پاسخ گفته است: از طریق شوراها. این شوراها نمایندگان تمام گروه های رزمنده را متحد خواهند کرد. تا کنون هنوز کسی شکل سازمانی دیگری برای انجام این منظور پیشنهاد نکرده است؛ در واقع تقریباً غیرممکن است که شکل بهتری به ذهن آدم به رسد. شوراها محدود به یک برنامه از پیش طرح شده حزبی نیستند. آنان درهای خود را به روی همه ی استثمار شدگان باز می گذارند. از این درها، نمایندگان همه ی اقشاری که به مسیر کلی مبارزه کشانده شده اند، عبور می کنند. سازمان که دوشادوش نهضت گسترش می یابد، به کرات در شکم آن تجدید حیات می کند. تمام گرایش های سیاسی پرولتاریا می توانند، بر اساس گسترده ترین حد دموکراسی، برای احراز رهبری شوراها مبارزه کنند. هم از این روست که شعار شوراها بر تارک برنامه ی درخواست های انتقالی می درخشد.

شوراها فقط موقعی می توانند به وجود بیایند که نهضت توده ای آشکارا گام در مرحله ی انقلابی گذاشته باشد. شوراها، از همان آغاز ظهور خود، به عنوان محوری که در اطراف آن میلیون ها نفر از رنجبران برای مبارزه با استثمارگران خود اتحاد کرده اند، تبدیل به رقبا و حریفان مقامات محلی و بعد حکومت مرکزی می شوند. اگر کمیته ی کارخانه در کارخانه قدرتی دوگانه ایجاد می کند، شوراها یک دوران قدرت دوگانه را در کشور می گشایند.

قدرت دوگانه به نوبه ی خود نقطه ی عطف دوران انتقالی است. دو رژیم، یکی بورژوائی و دیگری پرولتاریائی، به طرزی آشتی ناپذیر، مخالف یک دیگر هستند. جدال بین آنان اجتناب ناپذیر است. سرنوشت جامعه بسته گی به نتیجه ی این جدال دارد. اگر انقلاب شکست به خورد، دیکتاتوری فاشیستی بورژوازی به دنبال آن سر در می آورد. اگر انقلاب پیروز شود، قدرت شوراها، یعنی دیکتاتوری پرولتاریا و تجدید بنای سوسیالیستی جامعه به وجود می آید.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲